

# مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی نسبت به جرائم زیست محیطی

امیر رضا دانا

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

محمود قیوم زاده<sup>۱\*</sup>

استاد، گروه حقوق و معارف، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

محمد ابراهیم شمس ناتری

دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم، دانشکده حقوق، حقوق جزا و جرم‌شناسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

## چکیده

در راستای حمایت از محیط زیست و به دنبال آن مسئول شناختن اشخاص حقوقی حقوق عمومی که بزرگ‌ترین عامل تخریب و نابودی محیط زیست هستند در قوانین خلا جدی مشاهده می‌شود و این در حالی است که مهم‌ترین و خطرناک‌ترین جرائم توسط اشخاص حقوقی حقوق عمومی که اصولاً صنایع مهم و بزرگ را در اختیار دارند ارتکاب می‌یابد. در بررسی قوانین ایران در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی در می‌یابیم، ماده‌ای عام و کلی وضع شده است که می‌توان آن را ناظر به جرائم زیست محیطی در مفهوم عام دانست هرچند که مسئولیت اشخاص حقوقی در این ماده صراحتاً اشاره نشده است اما از عبارت هر اقدامی و مرتکبین در این ماده می‌توان مسئولیت اشخاص حقوقی را نیز احراز کرد البته در نظام حقوقی ایران در قبال جرائم زیست محیطی به صورت محدود جزئی و پراکنده در سایر قوانین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده است و اشاره‌ای به نوع شخص حقوقی نشده است. یافته‌های این تحقیق که بر اساس روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به دست آمده، نشان می‌دهد که بر اساس قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی همچون کنفرانس استکهلم، قراردادهای چهارگانه ۱۹۴۶ ژنو و دیگر اسنادی که در رساله به آن‌ها اشاره شده است، اشخاص حقوقی اعم از اشخاص حقوقی عمومی و حقوق خصوصی در جرائم زیست محیطی دارای مسئولیت کیفری و مدنی هستند و برای این جرائم ارتکابی توسط آن‌ها مجازات‌های مختلفی از جمله جرائم مالی و غیر مالی در نظر گرفته شده است.

کلیدواژگان: محیط زیست، مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی.

<sup>۱</sup>(نویسنده مسئول): maarefteacher@yahoo.com

## مقدمه

پیشرفت جوامع و دگرگونی‌های آن موجب شد تا اشخاص حقوقی هم به صحنه زندگی اجتماعی وارد شوند و چرخه اقتصادی را به دست گیرند. آنچه در قرون جدید و معاصر نظریه شخصیت حقوقی را تحقق بخشید و در قوانین وارد شد، گسترش و توسعه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بود که اشتراک مساعی افراد را به منظور انجام هدف‌های انتفاعی و نوعی ایجاب می‌نمود. پس از شکل‌گیری اشخاص حقوقی، رفته رفته حضور چشمگیر آنها در عرصه‌های مختلف در کنار فواید بسیار، مشکلاتی را نیز بوجود آورد. بطوریکه ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی و دستیابی به منافع مالی، توجه دولت‌ها را جلب کرد. لیکن معیارهای مسئولیت کیفری برای اشخاص حقیقی (بلوغ، عقل و اختیار) با ماهیت اشخاص حقوقی سازگار نبود. بدین نحو از یک سو مقتضیات جامعه مسئولیت کیفری را برای اشخاص حقوقی توجیه می‌کرد و از سوی دیگر چنین مسئولیتی با مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی همخوانی نداشت. به همین خاطر دولت‌ها در مواجهه با ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی به مجازات مدیران آنها بسنده می‌نمودند. هرچند اثباتی‌ها در اصل با نگاه جبرگرایانه و نگرستن به بزه به عنوان یک خطر اجتماعی مسئولیت تأمینی اشخاص حقوقی را پیش‌کشیدند تا مسئولیت کیفری، به هر حال مسئولیت اشخاص حقوقی نه تنها برپایه پیش بینی اقدامات تأمینی بلکه براساس تعیین کیفر برای آنها پذیرفته شد و از این رهگذر پاسخدهی کیفری اشخاص حقوقی وارد نظام‌های حقوقی دنیا شد. با این همه تردیدی نیست که این شرط در مواجهه با مقوله جدید مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با چالش روبرو می‌شود. در واقع، یکی از مباحث مهم و جدی در حقوق جزای معاصر بحث مسئولیت کیفری و مجازات اشخاص حقوقی است که چالش مهمی را با اصول و راهبردهای حقوق جزا بوجود آورده است.

حال با دانستن مبانی جرم انگاری اشخاص حقوقی مخصوصاً حقوق عمومی که خود مرتکب عمده جرائم زیست محیطی هستند باید گفت که از بین رفتن محیط زیست و آلوده شدن آن نتیجه اقدامات دولتها، شرکتهای فراملی و سایر مرتکبان جرائم زیست محیطی است. کل اکوسیستم کره زمین چنان به هم مرتبط است که انقراض یک گونه، میتواند محیط زیست کل کره زمین، زندگی و امنیت بین المللی را تحت تاثیر قرار دهد. پیوستگی و ارتباطاتی که به نظر می‌رسد توسط مرتکبان جرائم زیست محیطی درک نمی‌شود.

دولت به نمایندگی از مردم خویش، قوه قهریه را در اختیار دارد و می‌تواند از تخریب و آلودگی محیط زیست جلوگیری کند، در حالی که یک شهروند دارای این امکان نیست. از سوی دیگر، دولت باید به اقتصاد سبز روی آورد، تعبیر و مفهوم نوینی که در بند ۸ سیاست‌های کلی محیط زیست، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، به ضرورت گسترش آن اشاره شده است. دولت به عنوان مهمترین شخص حقوقی، هم باید شهروندان خویش را در تخریب و آلودگی محیط زیست محدود کند و هم با محدود سازی مدیران دولتی در زمینه‌های ایجاد و گسترش آلودگی و تخریب متناسب به دولت، گام مثبتی در جهت حفاظت از میراث مشترک بشری بردارد.

امروزه، دولت باید به این رویکرد اعتقاد داشته باشد که حفظ امنیت ملی، در گرو امنیت زیست محیطی است. امنیت محیط زیست، به مفهوم وجود شرایطی است که امنیت نسبی مطلوبی را در برابر خطرهای و تهدیدهای زیست محیطی فراهم سازد. همانطور که قبلاً عنوان شد از دیرباز، بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یکی از مباحث چالش برانگیز مطرح بوده به طوری که یکی از ابتکارات قانونگذار در قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲، به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است. اگرچه قانون گذار گام مثبتی در این راستا برداشته است اما به نظر می رسد خالی از اشکال هم نیست، زیرا در تبصره ماده ۲۰ قانون فوق الذکر، دولت را به عنوان مهمترین شخص حقوقی در موارد اعمال حاکمیت فاقد مسئولیت کیفری دانسته است. حال ما در این مقاله سعی می کنیم مبانی مسئولیت کیفری دولت را مورد بررسی قرار داده و همچنین به دنبال روشن کردن این موضوع باشیم که آیا جرایمی که در حیطه محیط زیست توسط دولت ارتکاب می یابند اعمال در راستای اعمال حاکمیت هستند یا خیر.

حال با توجه به توضیحات داده شده بدنبال پاسخ به سوالات ذیل می باشیم. از جمله اینکه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی بالاخص دولت در قبال جرائم زیست محیطی به چه شکلی است؟ و اینکه آیا اعمال تصدص گری و حاکمیت توسط دولت می تواند مانع مسئول شناخته شدن آن در قبال جرائم زیست محیطی باشد یا خیر؟

## رویکرد نظری و مفهومی

### مسئولیت کیفری

به طور کلی باید گفت الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می شود (حسینی آهق، ۱۳۸۹: ۴۶؛ لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۶: ۶۴۲). با این وجود، در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه در حال حاضر، ماهیت حقوقی و تعریف مسئولیت کیفری به طور مشخص بیان نشده است. به هر حال مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است (عوده، ۱۴۰۵: ۳۹۲).

از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسئول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است که شرایطی با هم جمع شوند (بیگی حبیب ابادی، ۱۳۹۶: ۷۴، ۷۵-۷۵) که عبارتند از: اول: وقوع رفتار مجرمانه که از میل و اراده آگاهانه مرتکب آن نشأت گرفته باشد و نحوه پندار، کردار و جریان تصمیم گیری او را مشخص کند. دوم: عمل مجرمانه ای که با اندیشه، قصد و میل مرتکب، در عالم خارج تحقق یافته است باید حاکی از سوءنیت مرتکب یا ناشی از خبط و خطای او باشد. در مورد مسئولیت کیفری، بیشتر ضرر و زیان متوجه جامعه است، در صورتی که در مسئولیت مدنی، ضرر و زیان متوجه یک شخص خاص است. در مسئولیت مدنی، چون عمل ارتكابی محل نظم عمومی نیست، جامعه از خود دفاع نکرده است و متضرر از جرم بایستی خسارت های وارده به خود را از مرتکب مطالبه کند. پس در این جا مسئولیت در مقابل فرد در مسئولیت کیفری، مسئولیت متوجه جامعه است (ملک اسماعیلی، ۱۳۵۵: ۸۹).

سوم: برای این که مرتکب جرم را مسئول بشناسیم، علاوه بر اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید بین جرم انجام یافته و فاعل آن، قابلیت انتساب موجود باشد.

به طور کلی، هرکسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند لزوماً مسئول شناخته نمی‌شود، بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید دارای اهلیت و خصوصیات فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد (دلفانی، ۱۳۸۲: ۳۱). در نتیجه، وقتی انسان از نظر کیفی مسئول شناخته می‌شود که مسبب حادثه‌ای باشد؛ یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. پس مسئولیت کیفی، محصول نسبت دادن و قابلیت انتساب است (آزمایش، ۱۳۷۷: ۸۹). مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی معلوم شود که فاعل جرم، از نظر رشد جسمی، عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آن چنان اهلیتی است که می‌توان رابطه علیت بین جرم انجام یافته و عامل آن برقرار کرد (صانعی، ۱۳۷۰: ۱۱). در حقیقت مسئولیت کیفی از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می‌شود و از این جهت به طور مختصر می‌توان گفت مسئولیت کیفی قابلیت انتساب و اسناد عمل مجرمانه است (یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۴۵).

### اشخاص حقوقی

شخص حقوقی به اعتباری مجموعه‌ای از افراد انسانی (شخص حقیقی) است که به منظور نیل به هدف مشترک با یکدیگر همکاری و اشتراک مساعی می‌نمایند، مانند انجمن‌ها و موسسات و یا مجموعه‌ای از اموال می‌باشد که توسط فرد یا افرادی به منظور معین اختصاص داده شده است مانند موقوفات (جعفر زاده، ۱۳۸۷: ۶۴). قانون بنا به مصالحی با پذیرش شخصیت حقوقی برای این مجموعه‌ها پاره‌ای حقوق و تکالیف مشابه با حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی قائل شده است (کاتبی، ۱۳۷۹: ۳۲). برخی از خصوصیات اشخاص حقوقی مشابهت نزدیک با خصوصیات اشخاص حقیقی دارد مانند نام، اقامتگاه، دارائی - اهلیت و احوال شخصیه. توضیحات فوق منحصراً در ارتباط با اشخاص حقوقی موضوع حقوق مدنی است. در رابطه با سایر اشخاص حقوقی نظیر اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی یا حقوق تجارت و غیره به تالیفات مربوطه مراجعه شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶: ۲۵۲).

برخی دیگر ضمن تفکیک میان شخص حقوقی و همه‌ی عناصر متشکله‌ی آن، شخص حقوقی را عبارت از اجتماع منافع و هدفهای می‌داند که قدرت عمومی آن را به عنوان واحد مستقل از عناصر تشکیل دهنده اش تلقی می‌کند مورد حمایت قرار می‌دهد. با ملاحظه ویژگیهای شخصیت حقوقی و نیز تعاریف داده شده در این رابطه، می‌توان این نهاد را این گونه تعریف نمود: شخصیت حقوقی عبارت از مجموعه اموال یا اشخاص است که برای تحقق هدفی معین و مطابق ضوابط یا تشریفات خاصی شکل یافته و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف مستقل را دارد (جعفر زاده، بی تا: ۶۴).

بنابراین، شخصیت حقوقی عبارت است از صلاحیت و قابلیت که شارع یا عقلاً فرض و اعتبار کنند تا به موجب آن، صاحب آن صلاحیت بتواند از حقوق و تکالیفی برخوردار گردد (شایگان، ۱۳۷۵: ۱۱۹).

### اشخاص حقوق عمومی

در خصوص اقسام شخص حقوقی دریافتیم چنانچه شخص حقوقی مربوط به روابط خصوصی مردم باشد و هدف و فعالیت آن‌ها نیز در زمینه‌ی حقوق خصوصی قلمداد گردد، جزو اشخاص حقوقی خصوصی هستند و این اشخاص به سه دسته شرکت‌های تجاری، مؤسسات غیرتجاری و موقوفات تقسیم می‌شدند و چنانچه این اشخاص مربوط به حقوق عمومی محسوب می‌شدند، ویژگی مهمی که این اشخاص داشتند، برخورداری از امتیازات قدرت عمومی بود و از بارزترین اشخاص حقوق عمومی، دولت به حساب می‌آمد.

به زبان دیگر «اشخاص حقوقی حقوق عمومی نوعاً مسئولیت‌هایی را عهده دارند که در جهت منافع جمعی است، مانند تأمین بهداشت، حفظ نظم و امنیت عمومی، تعلیم و تربیت و غیره و یا عهده‌دار خدمات عمومی به معنای وسیع کلمه هستند.» اگر شخص حقوقی، موضوع حقوق عمومی باشد، آن را شخص حقوقی حقوق عمومی نامند. مهم‌ترین ویژگی این اشخاص آن است که خواست شخصی افراد در پیدایش و انحلال آن‌ها نقشی ندارد. «اشخاص حقوقی حقوق عمومی نوعاً مسئولیت‌هایی را عهده دارند که در جهت منافع جمعی است، مانند تأمین بهداشت، حفظ نظم و امنیت عمومی، تعلیم و تربیت و غیره و یا عهده‌دار خدمات عمومی به معنای وسیع کلمه هستند» (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸: ۹۹).

«اشخاص حقوق خصوصی شامل اشخاص طبیعی و اشخاص حقوقی مانند شرکت‌ها و انجمن‌ها هستند ولی اشخاص عمومی منحصراً از اشخاص حقوقی تشکیل می‌یابند. هیچ شخص طبیعی وجود ندارد که دارای خصلت شخص حقوق عمومی باشد. ویژگی مهم اشخاص حقوق عمومی آن است که این اشخاص ذاتاً از امتیازات قدرت عمومی بهره‌مندند.» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۶۲ و ۲۶۳)

### دولت

برخی در تعریف دولت گفته اند که: «دولت، عمدتاً در قوانین و مقررات در مفهوم دقیق و مضیق آن به معنی قوه مجریه به کار رفته است.» (ابوالحمد، ۱۳۶۹: ۱۵)

همچنین بر اساس حقوق عمومی تعریفی که می‌توان از دولت ارائه کرد: «الف- جمعیتی از افراد که در خاک معینی زندگی می‌کنند و تابع یک قدرت عمومی از خود می‌باشند. دولت دارای شخصیت حقوقی در حقوق عمومی است. ب- در زبان فارسی دولت به معنای هیئت وزراء هم به کار می‌رود؛ و در این صورت غالباً کلمه هیأت به آن اضافه می‌شود و «هیأت دولت» می‌گویند. ج- به معنی مجموعه عمال دولت هم در استعمالات دیده شده است.» (لنگرودی، ۱۳۸۳: ۳۱۴) از بین این سه تعریف، تعریف دوم از دولت، به مقصود ما نزدیک‌تر است.

بنابراین وقتی صحبت از شخص حقوقی دولت در این مفهوم می‌شود، مقصود یک واحد نام و کامل سیاسی، مرکب از سه عنصر جمعیت (ملت) سرزمین (کشور) و قدرت عالی و تشکیلات آن (حاکمیت و حکومت) میباشد. این مفهوم از دولت، در باب مسئولیت کیفری دولت در عرصه بین المللی، به بحث ما مربوط می‌باشد. واژه دولت به غیر از معنا و مفهومی که در بالا ذکر گردید، بکه معنای اخص هم دارد. دولت در این مفهوم، تنها شامل یک عنصر از عناصری که ذکر گردید، یعنی قدرت سیاسی با همان نظام حاکم می‌شود که به مجموعه سازمان‌های حکومتی و هیأت حاکمه و دستگاه‌های مجری حاکمیت که مسئولیت اداره عمومی کشور را عهده دار هستند، اطلاق می‌گردد. این مفهوم از دولت مشتری‌انگیز شکل و نحوه سازمان بندی و آرایش قدرت سیاسی و نهادها و دستگاه‌های اجرایی می‌باشد که با اصطلاح دولت حکومت، شناسایی شده است که جنبه تشکیلاتی دستگاه دولت را مرتسم می‌سازد؛ ولذا می‌توان آن را مترادف با حکومت<sup>۱</sup> دانست دولت در این مفهوم یک معنای اخص دیگر، در درون خود دارد که در زبان عامه مردم به معنای هیأت دولت، «کابینه، با تشکیلات و اداره های دولتی می‌باشد. هنگامی که گفته می‌شود: «دولت در برابر مجلس، مسئولیت سیاسی دارد» یا «دولت خدمت گزار ملت است و با دستگاه های دولتی

<sup>1</sup> - Government

نیازمند اصلاح ساختاری هستند، در همه این موارد، مراد از واژه دولت، مهمان معنای عام و رایج در میان مردم می باشد. این همان معنایی است که عمده بحث ما در این نوشته حول آن می‌چرخد. دولت در این معنا همان قوه مجریه است که مسئولیت اجرای قوانین موجود و مصوب در کشور را دارد و به تبع آن حقوق و تکالیفی نیز به عهده دارد. این شخصیت حقوقی فوق شخصیت های حقوقی موجود در جامعه است و صلاحیت ایجاد بعضی از شخصیت های حقوقی نیز به او واگذار گردیده است.

### مؤسسه دولتی

در ماده ۲ قانون محاسبات عمومی کشور، مؤسسه دولتی بدین صورت تعریف شده است: «مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه‌گانه اداره می‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد. تبصره: نهاد ریاست جمهوری که زیر نظر ریاست جمهوری اداره می‌گردد از نظر این قانون مؤسسه دولتی شناخته می‌شود.» و ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری مقرر می‌دارد: «مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانون می‌باشد انجام می‌دهد. کلیه سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام برده شده است در حکم مؤسسه دولتی شناخته می‌شود.»

این تعاریف چندان جامع نیستند و مشخصات مؤسسه دولتی را معین نمی‌کنند، تنها چیزی که از آن بدست می‌آید این است که تشکیل مؤسسه دولتی و به طور کلی هر مؤسسه عمومی، مستلزم تصویب قانون است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

### مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی

ماده ۵ قانون محاسبات عمومی مقرر می‌دارد: «مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می‌شود.» و ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری نیز در این باره مقرر می‌دارد: «مؤسسه یا نهاد عمومی غیر دولتی، واحد سازمانی مشخصی که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیر دولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.»

«منظور از به‌کار بردن اصطلاح غیردولتی مستثنی کردن این دستگاه‌ها از شمول مقررات مالی و محاسبات عمومی و استخدام کشوری است.» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۲۷)

### ۱-۶- محیط زیست

در یک تعریف ارائه شده عنوان شده است که محیط زیست هدیه خداوند است که از اجتماع موجودات، منابع، علت ها و شرایط هماهنگی که پیرامون همه موجودات زنده است و ادامه حیات منوط به آن است، تشکیل شده است (هنری، ۱۳۶۲: ۱۸).

برخی از کارشناسان (تقی زاده، ۱۳۷۴: ۵-۷) عقیده دارند که محیط زیست بر دو نوع بوده و در دو مفهوم کاربرد دارد: نخست محیط زیست طبیعی است که در تشکیل آن بشر نقشی نداشته، بلکه از موهبت های خداوندی است

و این مفهومی است که از علوم طبیعی ناشی می‌شود و در آن با جوامع انسانی با بینشی اکولوژیک، اکولوژی یا بوم‌شناسی، دانشی است که به مطالعه روابط جانداران با محیطی که در آن زندگی می‌کنند، می‌پردازد. افکار عمومی، بین‌اکولوژی و محیط زیست تفاوت چندانی قایل نیست، برخورد می‌شود؛ یعنی مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی و تعادل بین نیروهای رقیب در طبیعت که زندگی یک گروه بیولوژیک را مقید می‌کند. دوم محیط زیست انسانی که به دست بشر ساخته شده و زاینده تفکر او می‌باشد (تقی زاده، ۱۳۷۴: ۹-۷).

این مفهومی است که از علوم معماری و شهرسازی ناشی می‌شود و در رابطه با تعاملی است که بین ساختمان به مفهوم عام (و محیطی که در آن ایجاد می‌شود) محیط طبیعی یا مصنوعی، وجود دارد. در این مفهوم می‌توان به ماده 1 قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱ اشاره نمود. بدین ترتیب باید گفت که محیط زیست مجموعه‌ای از نظامات طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و غیره است که انسان و موجودات دیگر در آن زندگی می‌کنند و با هم تعامل دارند.

در نهایت باید عنوان کرد که اصطلاح محیط زیست گرچه در هیچ یک از کنوانسیون‌ها، معاهدات و بیانیه‌های مهم بین‌المللی تعریف نشده، اما در یک نگاه کلی می‌توان گفت که محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیبا شناختی اطلاق می‌شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال و نیز کیفیت زندگی بشر اثرگذار است. پس هر چه که در اطراف ما است در محدوده معنی و مفهوم این اصطلاح قرار می‌گیرد و به نوعی محیط زیست مجموعه‌ای است پیوسته از عوامل خارجی که رشد و حیات همه موجودات اعم از انسان‌ها، جانوران و گیاهان به آن وابسته است (فهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

### انواع محیط زیست

همانطور که گفته شد، محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیبا شناختی اطلاق می‌شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال و نیز کیفیت زندگی بشر اثرگذار است. با توجه به تعریف ارائه شده، رایج‌ترین تقسیم‌بندی از محیط زیست، تقسیم آن به سه دسته می‌باشد:

الف- محیط زیست انسانی

ب- محیط زیست طبیعی

ج- محیط زیست مصنوعی.

موضوع مقاله بیشتر متمرکز بر جنایات مرتبط با محیط زیست مصنوعی است لذا فقط تعریف این بخش ارائه خواهد شد. محیط زیست مصنوعی یا به عبارت دیگر، محیط زیست انسان ساخت به آن بخش محیط زیست اطلاق می‌گردد که توسط انسان ساخته شده است (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱: ۶).

محیط زیست مصنوعی به محیطی گفته می‌شود که توسط انسان ساخته شده است و به عقیده پاره‌ای از متخصصان، محیط زیست مصنوعی، محیط زاینده تفکر و محیط فرهنگ ساخت است، بنابراین شهرها با تمام اجزاء آن، محیط زیست مصنوعی را تشکیل می‌دهند، خانه‌ها، مدرسه‌ها، کارخانه‌ها، فرودگاه‌ها، راه‌ها و غیره اجزای این بُعد از محیط زیست محسوب می‌شوند.

علاوه بر این زباله‌های کنار خیابان، آلودگی آب و هوا، تمیز یا کثیف بودن جویبارهای روان و مانند آن‌ها نیز عناصر تشکیل دهنده این قسمت از محیط زیست هستند. از آنجا که محیط زیست مصنوعی حاصل نحوه تفکر و چگونگی فرهنگ جامعه است. بر اساس این شاخص می‌توان طرز تفکر و کیفیت فرهنگ یک اجتماع را دریافت، به عبارت دیگر با ملاحظه تمیز یا کثیف بودن یک شهر به علاقمندی ساکنان آن به سلامت و بهبود محیط زیست و پاکیزگی آن و یا بی‌توجهی نسبت به این موضوع می‌توان پی برد. بافت محیط مصنوعی و انسان ساخت، در حقیقت محصول فرهنگ برنامه‌ریزی و طراحی بشر است.

### گونه شناسی جرائم اشخاص حقوقی عمومی در حوزه محیط زیست

دولت‌ها از سویی منشا ایجاد آلودگی هستند و از سویی دیگر به خاطر وظایف حاکمیتی خود مسئولیت حفاظت از محیط زیست را نیز بر عهده دارند. برخلاف کشورهای توسعه یافته که فعالیتهای اقتصادی توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد، در کشورهای در حال توسعه مانند ایران فعالیت‌های اقتصادی به طور عمده توسط دولت انجام می‌گیرد. بر همین اساس مالکیت اکثر بخش‌های صنعتی، کارخانجات بزرگ و کارگاههای کوچک در اختیار دولت است و این کارخانجات دولتی به طور معمول از تکنولوژی پایینی برخوردارند که منجر به آلودگی‌های زیست محیطی گسترده می‌گردد؛ بنابراین دولت با ورود به فعالیت‌های تصدیگری نقش اساسی در اینگونه آلودگی‌ها ایفا می‌کند. در ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه، دولت سهم بالایی در اقتصاد کشور دارد که به تبع آن چالش‌های زیست محیطی زیادی را نیز پدید می‌آورد؛ مانند آلودگی‌های نفتی و شرکت‌های پتروشیمی.

جرم دولتی را برخی اینطور تعریف می‌کنند که: «انحراف سازمان یافته دولت که متضمن نقض حقوق بشر است». شاید علت اینکه در این تعریف یا سایر تعاریف موجود، جرم دولتی را انحراف می‌خوانند این است که دولت خود مسئول نظام جرم‌انگاری است و رفتارهای ناشایست خود را جرم‌انگاری نمی‌کند، از این رو در تعاریف حقوقدانان نیز انحراف خوانده شده است. منظور ما از جرائم دولتی در حوزه محیط زیست، جرایمی هستند که عمدتاً از سوی دولت ارتکاب می‌یابند و ارتکاب این دسته از جرائم در حوزه آلودگی آب و هوا مشهود است که به بررسی این موارد می‌پردازیم (هاومن، ۱۳۹۶: ۳۴).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از سویی عمده جرائم زیست محیطی فرامرزی توسط دولت‌ها ارتکاب می‌یابند و از سوی دیگر آنها خود مسئول نظام جرم‌انگاری هستند. در این بستر نظام جرم‌انگاری ابزاری در دست دولت است که به جای تحقق عدالت به تداوم نظام سیاسی کمک می‌کند (راب وایت، ۱۳۹۴: ۲۰).

حال با پذیرفتن اینکه دولت‌ها در گروه بزهکاران سبز می‌توانند قرار گیرند، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان دولت را محاکمه کرد؟ و وادار به جبران خسارت کرد؟

بر مبنای اصول حقوقی دولت نیز مانند هر شخص حقوقی مسئول جبران ضررهایی است که با واسطه یا بیواسطه به دیگران وارد نموده است؛ بنابراین وقتی دولت با آلودگیهای زیست محیطی به افراد زیان میرساند زیاندیدگان میتوانند از دادگاه درخواست جبران ضرر و زیان وارده را نمایند (شمسی، ۱۳۹۵: ۸۸). مواد ۱۴، ۲۰ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مسئولیت اشخاص حقوقی پرداخته است. در تبصره ماده ۲۰ قانون مذکور به صراحت اعمال حاکمیتی دولت را از دایره جرم خارج نموده است. با این وصف آسیب به محیط زیست اگر در راستای اعمال حاکمیت دولت باشد نمیتواند عنوان جرم داشته باشد.



### آلودگی های ناشی از کارخانه ها و نیروگاه های دولتی

امروزه، کارخانه ها و کارگاه ها نیز سهم بسزایی در ایجاد و گسترش آلودگی های آب و هوا دارند. از این رو قانون گذار به موجب ماده ۱۲ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، سازمان حفاظت محیط زیست را ملزم کرده است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، خدماتی و... را که آلودگی آنها بیش از حد مجاز است، مشخص کرده و به بالاترین مقام تصمیمگیر اعلام کند. امروزه دولتی بودن برخی از کارخانه ها باعث شده است دولت سهم عمدهای در آلوده کردن آبهوا داشته باشد. از این رو در راستای اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی بهتر است که گامی به سوی خصوصی سازی در کارخانه ها برداشته شود زیرا خصوصی بودن کارخانه ها موجب اقتدار یا تضعیف حاکمیت نخواهد شد. شاید بتوان گفته که علت رعایت قوانین زیست محیطی از سوی بخش خصوصی این امر باشد که در قوانین کیفری کشورهای مختلف، مسئولیت کیفری دولت، مطلقاً مورد پذیرش قرار نگرفته است و مدیران بخش خصوصی به علت دارا بودن مسئولیت کیفری، سعی بیشتری در اجرای قوانین زیست محیطی خواهند داشت (حاجی وند و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۷۰).

### آلودگی های ناشی از تولید بنزین غیراستاندارد

تحقیقات نشان داده است که سوخت نقش مهمی در میزان و نوع مواد منتشره از اگزوز خودروها دارد. سوختهای نامرغوب، بهخاطر افزایش میزان تشکیل رسوبات، عملکرد موتورها را تحت تأثیر قرار میدهند و سبب تغییر دبی و جریان هوای ورودی به محفظه احتراق موتور شده، فرآیند احتراق را دستخوش تحول کرده و انتشار مواد آلاینده و سمی را افزایش میدهند (برخورداریون، ۱۳۹۱: ۶۷) در دورههای که دولت بنزینهای بنزیندار پالایشگاهها را در جامعه عرضه کرد، پژوهشی در همین راستا انجام شد و نشان داد که بنزینهای برخی از پالایشگاهها مطابق با استانداردها نبوده است. با تصویب ماده ۱۸ قانون هوای پاک ۱۳۹۶، وزارت نفت مکلف شده است حداکثر تا سه سال پس از لازم الاجرا شدن این قانون، سوخت تولیدی کشور از جمله بنزین، نفت، گاز و... را مطابق استاندارد ملی مصوب عرضه کند. سازمان حفاظت از محیط زیست نیز مکلف است از تولید سوخت غیراستاندارد جلوگیری کند.

### آلودگی ناشی از صنایع نفتی و گازی

آلودگی های زیست محیطی در صنعت نفت و گاز، انواع گسترده ای از جمله آلودگی آب، خاک، هوا و به ویژه نسل جدید بزه های زیست محیطی یعنی آلودگی صوتی را در بر می گیرد. اثرات مخرب پروژه های نفت و گاز بر محیط زیست از شروع فعالیت های اکتشاف آغاز می شود و حداقل زمین و دریا را آلوده می کند. آب های زیرزمینی را ناسالم می کند و با سوزاندن گازها، هوا را آلوده می کند. حمل و نقل نفت و گاز نیز می تواند صدمات جبران ناپذیری به محیط زیست وارد کند. نشت نفت و گاز از لوله های فرسوده و تصادف ها مقادیری از نفت و گاز را وارد آب، زمین یا هوا می کند. مصرف نفت و گاز نیز به آلودگی هوا، تولید بارانهای اسیدی و تغییر آب و هوا می انجامد (شیروی، ۱۳۹۷: ۲۴) مطابق ماده ۷ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، تکلیف جلوگیری از آلودگیهای زیست محیطی از جمله آلودگی هوا بر عهده وزارت نفت نهاده شد. مطابق این ماده: وزارت نفت مکلف است که در جریان عملیات نفتی، ضمن برنامه ریزی صحیح نظارت و مراقبت کامل برای صیانت از ذخایر نفتی و حفاظت از

منابع و ثروت طبیعی و تاسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست (هوا، آب، خاک) را با هماهنگی سازمان‌های ذیربط به عمل آورد؛ اما به یقین می‌توان گفت که این تعهد و تکلیف وزارت نفت به دلیل فقدان ضمانت اجرا نمی‌تواند کارآمد و موثر باشد. با وجود اینکه قانون اصلاح نفت در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و ماده ۷ قانون فوق‌الذکر در قالب ماده ۴ اصلاح شد و یک هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی پیش‌بینی شد که باید این هیأت گزارش سالانه‌ای تهیه و به مقام معظم رهبری و مجلس شورای اسلامی بدهد (بند ۴ ماده ۴) و سیاست‌های راهبردی را ارزیابی کند (بند ۲ ماده ۴) اما به نظر می‌رسد باز هم با فقدان ضمانت اجرا مواجه هستیم لذا وجود یک ضمانت اجرای مناسب می‌تواند وزارت نفت را مکلف کند تا با نظارت بر پروژه‌های نفتی، در جهت پیشگیری وضعی از جرائم حوزه صنعت نفت و گاز گام موثری بردارد (حاجی‌وند و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۹).

### گونه‌شناسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی در حوزه محیط زیست

امروزه عموم حقوقدانان مسئولیت اشخاص حقوقی و نظریات مرتبط با آن را مورد تایید قرار داده‌اند (نوربها، ۱۳۹۲: ۲۶۰). طرح بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اینجا بیشتر به این دلیل است که بسیاری از جرائم مهم علیه محیط زیست، توسط اشخاص حقوقی حقوق عمومی یعنی کارخانجات، کارگاه‌ها، صنایع و شرکت‌های بزرگ ارتکاب می‌یابد، معمولاً تشخیص کسی که از لحاظ کیفری مسئول این عمل بوده است، دشوار می‌باشد. عموماً نزدیک‌ترین فرد به علت اصلی آلودگی به عنوان عامل مستقیم، مسئول شناخته می‌شود. معمولاً در شرکت‌ها و موسسات بزرگ، یک مامور مخصوصی به سمت مامور جلوگیری از آلودگی منصوب می‌شود. در این صورت مسئولیت کیفری متوجه او نیز می‌گردد. معذالک با توجه به ماهیت جرم، غالباً خواسته می‌شود که مقام مافوق وی به خصوص رئیس شرکت، لااقل توأم با او دارای مسئولیت کیفری باشد. رویه قضایی در ایران حاکی از آن است که شرکت‌ها و کارخانجات به عنوان اشخاص حقوقی دارای مسئولیت کیفری می‌باشند. لیکن مجازات‌هایی که در مورد آنان به کار می‌رود، عمدتاً به جزای نقدی و تعطیلی دائم یا موقت آنها محدود می‌شود.

پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از یکسو دارای فوایدی است که می‌تواند نظام حقوقی را ملزم به قبول مسئولیت کیفری کند و از سوی دیگر چالش‌هایی در اثر این پذیرش ممکن است ایجاد شود که طرح و بررسی این چالش‌ها اهمیت فراوانی دارد، چراکه صرف پذیرش یک نهاد حقوقی کافی نیست و بررسی ابعاد این پذیرش و پیدا کردن راهکارهایی برای حل مشکلات احتمالی و ایجاد سازوکارهای مناسب از دغدغه‌های اصلی حقوق جزا است. گفتنی است منظور از چالش‌های پذیرش، نقدهایی نیست که کراراً حقوقدانان از ابتدا نسبت به این موضوع ابراز داشته‌اند؛ چراکه این نقدها به تفصیل بررسی شده و به نحوی پاسخ داده شده‌اند؛ به عنوان مثال مشکلاتی مانند «فقدان اراده قابل انتساب به شخص حقوقی» یا «نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها»؛ که این ایرادات بیشتر جنبه تئوری و نظری دارد. این درحالی است که چالش‌هایی که در این رساله مورد بحث قرار می‌گیرد بیشتر آن دسته از مشکلاتی است که در عمل ایجاد می‌شود. در واقع ما با این رویکرد به سنجش مسئولیت کیفری شخص حقوقی می‌پردازیم که چه مواردی ما را در پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی ملزم و توجیه می‌کند و در صورتی که قبول و اجرا گردد با چه موانع و ایراداتی روبرو می‌گردد.

در نهایت باید عنوان کرد دو نظریه در رابطه با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ارائه شده است:

الف- موافقان پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

ب- مخالفان پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

موافقین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در راستای تایید دیدگاه خود موارد ذیل را بیان می کنند:

۱- آن‌ها عنوان می کنند که با توجه به اراده گروهی که در مورد اشخاص حقوقی وجود دارد، این اشخاص در قصد و اراده نیز با اشخاص حقیقی مشابهت دارند؛ بدین معنی که وقتی که یک شخص حقوقی تصمیم به انجام کاری می گیرد که دارای وصف کیفری است، در حقیقت قصد و نیت مجرمانه و اراده منحرف خود را نشان می دهد، لذا وی دارای عنصر معنوی خواهد بود (صفار، ۱۳۷۳: ۵۰۴).

۲- اعمال مجازات‌هایی مانند جزای نقدی در اصلاح و تربیت شخص حقوقی و نیز منع فعالیت و تعطیلی شخص حقوقی در ارباب دیگران و پیشگیری عمومی این قبیل جرائم بی تأثیر نمی باشد.

۳- هنگامی که عنوان می شود مجازات اشخاص حقوقی در تضاد با اصل شخصی بودن جرم و مجازات است، انقادی با جنبه کلی می باشد، زیرا مجازات کردن اشخاص حقوقی نیز امکان پذیر است. قانون جزای فرانسه مسئولیت- کیفری اشخاص حقوقی را نپذیرفته است و در صورت ارتکاب جرم از ناحیه مسئولین شخص حقوقی، خود مدیران و مسئولان را از تعقیب می کند (خزانی، ۱۳۶۷: ۵).

مخالفین نیز در مقابل استناد به این ادله می کنند که:

۱- عموم مجازات‌های موجود در قوانین مربوط می شوند به اشخاص حقیقی، لذا کاربردی نسبت به شخص حقوقی ندارند (علی آبادی، ۱۳۶۹: ۱۳۷).

۲- برای احراز مجرمیت بزهکار تنها فقط وجود یک فعل یا ترک فعل که قانون آن را جرم می داند کافی نیست و علاوه بر آن وجود عنصر معنوی نیز لازم است؛ یعنی مجرم از لحاظ روانی قصد و عمد داشته باشد و یا اینکه غیر عمدی انجام داده باشد که مستوجب مسئولیت کیفری باشد. وجود عنصر روانی برای وقوع عموم جرائم الزامی است. مشخص است که وجود این عنصر به اراده مستقیم شخص بستگی دارد که فقط انسان دارای این ویژگی است؛ لذا تنها اشخاص حقیقی می توانند بار مسئولیت کیفری را بر تحمل کنند و اشخاص حقوقی چون توانایی چنین چیزی را ندارند (خزانی، ۱۳۶۷: ۲۲).

۳- تایید مسئولیت جزایی نسبت به اشخاص حقوقی به اصل شخصی بودن مجازات‌ها صدمه وارد می کند (راستین، ۱۳۸۲: ۳۲۳). بدین توضیح که اگر افرادی که داخل یک واحد حقوقی هستند مرتکب بزه می شوند، همان عده باید تحت تعقیب قرار گیرند نه اجتماع فرضی آنها. در صورتی که اگر یک شخصیت حقوقی مورد مجازات قرار گیرد، کلیه افرادی که در آن شرکت یا مؤسسه به هر نحوی شرکت دارند مورد مجازات قرار می گیرند.

**چالش های اعمال مسئولیت کیفری نسبت به اشخاص حقوقی حقوق عمومی در جرائم زیست محیطی**

قانون گذار ایرانی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به نحو مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده ۲۰ همان قانون، ضمانت اجراهای مختلفی را در مورد جرائم اشخاص حقوقی پیشبینی کرده است؛ اما در تبصره این ماده، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی را در مقام اعمال حاکمیت از شمول ضمانت اجراهای ماده ۲۰ مستثنی کرده است.

اما از آنجا که دولت مهمترین مخرب و آلوده کننده زیست محیطی است و عملاً در جهت کسب سود و منافع اقتصادی، حق برخورداری از محیط زیست سالم را نقض می‌کند، ضروری است تا دولت را به عنوان برجسته ترین شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری بدانیم. ضمناً در ماده ۲۰ قانون یاد شده گفته شده که شخص حقوقی بزهکار با توجه به شدت جرم و نتایج زیانبار آن به ضمانت اجرایی که ذکر شده محکوم می‌شود؛ اما مشاهده می‌شود که با وضع تبصره این ماده، قانون گذار عملاً از اعمال مجازات نسبت به دولت در جرائم زیست محیطی که هم از شدت بالایی برخوردار است و نتایج زیانبار غیرقابل جبرانی دارد، چشم پوشی کرده است. امروزه با زیر سوال رفتن زیر ساخت مشروعیت دولت ها و به رسمیت شناخته شدن آرای ملت به عنوان تنها عامل مشروعیت دولت ها، خواه ناخواه، مسئول اعمال مستقیم و غیرمستقیم خود هستند و این مسئولیت ها به جنبه های مدنی، کیفری، سیاسی و اداری هم توسعه یافته است (موسی زاده، ۱۳۹۸: ۵۹).

در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، امور حاکمیتی تعریف شده و مصادیقی از آن به صورت تمثیلی ذکر شده است. از موارد اعمال حاکمیتی در بند ط ماده ۸ حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی است؛ بنابراین آلوده کردن و تخریب محیط زیست نه از امور حاکمیتی است و نه از امور تصدی گری بلکه دولت که قوه قهریه را در اختیار دارد وظیفه دارد که با مخربان مقابله کند نه اینکه خود تبدیل به مهمترین آلاینده و مخرب زیست محیطی شود.

چنانچه دولت یک جرم زیست محیطی مثل آلودگی هوا را مرتکب شود و اینطور اظهار شود که آلودگی هوا یکی از مضرات فعالیت های کارخانه بوده اما اشتغال چندین هزار کارگر در آن کارخانه در راستای منافع عمومی است، این استدلال مردود است، زیرا به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی ایران، کلیه فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا با تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است. اصل مساوات از اصول مسلم قانون اساسی است و نمی توان از آن به بهانه حفظ ارزش های اساسی یا به دلیل تفاوت وضعیت اشخاصی که موضوع قانون قرار می گیرند، چشم پوشی کرد.

بی تردید در جرائم زیست محیطی، حاکمیت کلی دولت قادر نیست عدم مسئولیت وی را در مورد فعالیت ها و اعمالی که واقعاً اعمال حاکمیت نیستند، توجیه کند. چطور می توان توجیه کرد که آلودگی یک کارخانه غیردولتی که موجب آلودگی آب یا هوا و در کل موجب آلودگی های محیط زیستی می‌شود، مسئولیت کیفری این کارخانه مدیران آن را برانگیزد، ولی وجود یک کارخانه دولتی که آلودگی آب یا هوای شهر را موجب می‌شود، باعث مسئولیت کیفری دولت نشود؟ اگر اصل مساوات همگان در برابر قانون و دستگاه عدالت کیفری، از اصول مسلم و لازم است آیا این موارد از نمونه های بارز عدم رعایت اصل نیست؟ دلیل مشخصی که معمولاً برای توجیه استناکردن دولت از تعقیب و مجازات ذکر می‌شود این است که دولت دارای حق انحصاری مجازات کردن است، چطور ممکن است خود را مجازات کند؟ به نظر می رسد این توجیه استواری نیست چراکه مثال اگر شورای دولتی یا شورای پاسداری از قانون اساسی که از ارگان های دولت هستند، دستورعمل یا بخش نامه یا قانون را غیرقانونی یا مخالف و مغایر با قانون اساسی اعلام می کند، آیا این تصمیمات که محدودیت هایی برای دولت ایجاد می کند، خود را مجازات کردن نیست؟ در واقع از خصایص دولت است که خود را محدود کند. این استدلال که دولت دارای قدرت مجازات کردن است و نمی تواند خود را مجازات کند مردود است، زیرا ضمانت اجرای کیفری به

گفته مارک آنسل، به خودی خود برای دارندگان حق مجازات، حق خاصی ایجاد نمی کند، بلکه هدف مجازات عبرت آموزی یا اصلاح مجرم یا دفاع از جامعه است (فرج الهی، ۱۳۸۸: ۴۸). از آنجا که قوه مجریه در حوز ههای مربوط به ایجاد و گسترش آلودگی نقش دارد، می توان در رد این نظر که دولت دارای حق انحصاری مجازات کردن است گفت که منظور از دولت در جرائم زیست محیطی آن قوهای است که در حوزه های مربوط به آلودگی تاثیرگذار است و این قوه مجریه است که در حوزه های مختلف جرائم زیست محیطی می تواند نقش مثبت و یا نقش منفی بازی کند. از این رو دادگاهی که دولت را تحت تعقیب قرار می دهد تابع قوه قضائیه است و این در واقع یکی از آثار بارز اصل تفکیک قوا است، زیرا اگر یک قوه حاکم بر امور باشد هم خود قانون گذار خواهد بود هم مجری و هم مجازات کننده و این خلاف اصل تفکیک قوا است.

حال در رابطه با جرائم ارتكابی دولت ها علیه محیط زیست اگر بعد بین المللی پیدا کند، باید به این نکته توجه کنیم که اول می بایست دولتی که از این وضع شکایت دارد، عمل ارتكابی دولت دیگر بر ضد محیط زیست را به اثبات برساند. بعد از آن کشوری که متضرر شده باید موارد دیگری را نیز معین کند از جمله: عمل بر ضد وظیفه در جامعه بین الملل، اثبات رابطه علیت و ورود ضرر (موسوی، ۱۳۷۹: ۴۶).

اگر چه نحوه رسیدگی به این موضوع بدین صورت است که عمل ارتكابی علیه محیط زیست اگر توسط نماینده یک دولت باشد باز هم آن عمل به دولت متبوع استناد داده می شود. لذا همینه که شخص یا سازمان با دولت در ارتباط باشد فارغ از جایگاه آن تغییری در اصل مسئولیت دولت ایجاد نمی کند. ارگ چنانچه شخص حقیقی مرتکب اعمال ضد محیط زیست شود نهائیاتا به دولت پیشنهاد می شود که در مقابله با آن گام بردارد؛ و چنانچه تلاش های دولت ناموفق باشد و شخص حقیقی به محیط زیست کشوری دیگر خسارت وارد کند، دولت متبوع شخص باید در مجازات او اهتمام ورزد (موسوی، ۱۳۷۹: ۴۷-۵۱).

در ادامه باید توجه داشت که حتی اگر بتوان عمل مورد نظر را به دولت منشاء خسارت استناد داد، بار نمودن مسئولیت بر دوش آن دولت، باز نیاز به این دارد که یک تعهد بین المللی نقض شده باشد. به عنوان مثال اصل 21 بیانیه استکهلم درباره محیط زیست بشر - که امروز تدوینی است از یک قاعده عرفی حقوق بین الملل - بر دولتها، مسئولیتی را مبنی بر اینکه آنها باید اطمینان حاصل نمایند، فعالیت هایی که در محدوده نظارت و قلمروشان انجام می گیرد، سبب خسارتی عمده به محیط زیست کشورهای دیگر نمی گردد.

به طور مثال می توان از دیوان بین المللی دادگستری نام برد که با مقرر نمودن قوانین سفت و سخت، کارایی خود را بیش از پیش می کاهند. به عنوان مثال، تنها دولتها می توانند در برابر دیوان حاضر گردند. در نتیجه اشخاص و سازمانهای غیر دولتی که، می توان گفت مجریان مشتاق تر قواعد محیط زیستی هستند، باید برای اقامه دعوی خود به حکومت های داخلی خویش متوسل شوند. در هر صورت دولتها بنابر دلایل سیاسی یا اقتصادی غالباً مایل نیستند که تصدی این گونه دعوی را به عهده گیرند. افزون بر این، یک دولت باید اثبات کند که به منافع مشروعش که مبتنی بر مقررات حقوق بین الملل است خسارتی وارد شده است. در هر حال به هنگام وارد آمدن خسارت محیط زیستی به منابع مشترک و مشترکان جهانی، هیچ دولتی منفرداً حق تعقیب کشور منشاء خسارت را ندارد (موسوی، ۱۳۷۹: ۵۱-۶۶).

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

درباره رویکرد نظری قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ راجع به این موضوع باید گفت که از مندرجات ماده ۱۴۳ این قانون که بیان می‌دارد: «... شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی (به نام) یا (در راستای منافع آن) مرتکب جرمی شود...». مسئولیتی جز اشتقاقی که مشتق از مسئولیت فردی است و نیز مسئولیت نمایندگی که مشتمل بر انتساب رفتار مجرمانه‌ی نمایندگان شخص حقوقی به آن می‌باشد، قابل استخراج نیست. پس مطابق این ماده، شخص حقوقی قابل سرزنش نخواهند بود و مسئولیت نخواهد یافت مگر آنکه احراز شود فردی در درون این شخص و به نمایندگی از آن مرتکب جرمی با تمام عناصر آن شده است. عدم اهتمام به مسئولیت سازمانی در این مقرر نشان از آن دارد که قانون‌گذار هنوز در تأیید ماهیت مستقل اشخاص حقوقی و انعکاس قابلیت سرزنش اخلاقی آنان ورای مسئولیت فردی نمایندگانشان چندان مصمم نیست و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به‌عنوان امری خلاف اصل نه اصلی مستقل پذیرفته است.

در نظام حقوقی ما نسبت اشخاص حقوقی، حقوق عمومی شرایطی متفاوت پیش‌بینی شده و نسبت به اشخاص حقوقی دولتی و نیز اشخاص عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند معافیتی پیش‌بینی شده و قانون‌گذار صراحتاً چنین اشخاصی را از شمول مجازات ماده ۲۰ مستثنا می‌داند اما آنچه اهمیت دارد این است که قانون‌گذار این استثنا را مقید به دو امر نموده است. ۱- در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی ۲- در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند. در صورت تحقق چنین شرایطی است که چنین اشخاصی از مجازات معاف‌اند بنابراین اشخاص حقوقی دولتی و نیز اشخاص عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال تصدی انجام می‌دهند از معافیت این تبصره برخوردار نمی‌باشند و در مورد آن‌ها بر اساس اطلاق صدر ماده ۲۰ برخوردار می‌گردد.

اما همانطور که در متن مقاله اشاره شد در برخی موارد می‌توان اشخاص حقوقی حقوق عمومی را در جرائم زیست محیطی دارای مسئولیت کیفری دانست و آن‌ها با استناد به اینکه عملشان اعمال حاکمیت یا تصدی‌گری است نمی‌توانند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. در توجیه این موضوع باید اشاره کرد که چنانچه دولت یک جرم زیست محیطی مثل آلودگی هوا را مرتکب شود و اینطور اظهار شود که آلودگی هوا یکی از مضرات فعالیت های کارخانه و امری عادی بوده اما اشتغال چندین هزار کارگر در آن کارخانه در راستای منافع عمومی است، این استدلال مردود است، زیرا به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی ایران، کلیه فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا با تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است. اصل مساوات از اصول مسلم قانون اساسی است و نمی‌توان از آن به بهانه حفظ ارزش های اساسی یا به دلیل تفاوت وضعیت اشخاصی که موضوع قانون قرار می‌گیرند، چشم‌پوشی کرد.

بی‌تردید در جرائم زیست محیطی، حاکمیت کلی دولت قادر نیست عدم مسئولیت وی را در مورد فعالیت‌ها و اعمالی که واقعاً اعمال حاکمیت نیستند، توجیه کند. چطور می‌توان توجیه کرد که آلودگی یک کارخانه غیردولتی

که موجب آلودگی آب یا هوا و در کل موجب آلودگی های محیط زیستی می شود، مسئولیت کیفری این کارخانه مدیران آن را برانگیزد، ولی وجود یک کارخانه ها و صنایع دولتی که چندین برابر باعث آلودگی آب یا هوای شهر می شود، باعث مسئولیت کیفری دولت نشود؟ اگر اصل مساوات همگان در برابر قانون و دستگاه عدالت کیفری، از اصول مسلم و لازم است آیا این موارد از نمونه های بارز عدم رعایت اصل نیست؟ دلیل مشخصی که معمولا برای توجیه استثنای دولت از تعقیب و مجازات ذکر می شود این است که دولت دارای حق انحصاری مجازات کردن است، چطور ممکن است خود را مجازات کند؟ به نظر می رسد این توجیه استواری نیست چراکه مثال اگر شورای دولتی یا شورای پاسداری از قانون اساسی که از ارگان های دولت هستند، دستورعمل یا بخش نامه یا قانون را غیرقانونی یا مخالف و مغایر با قانون اساسی اعلام می کند، آیا این تصمیمات که محدودیت هایی برای دولت ایجاد می کند، خود را مجازات کردن نیست؟ در واقع از خصایص دولت است که خود را محدود کند. این استدلال که دولت دارای قدرت مجازات کردن است و نمی تواند خود را مجازات کند مردود است، زیرا ضمانت اجرای کیفری به گفته مارک آنسل، به خودی خود برای دارندگان حق مجازات، حق خاصی ایجاد نمی کند، بلکه هدف مجازات عبرت آموزی یا اصلاح مجرم یا دفاع از جامعه است.

منابع

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۹)، حقوق اداری، تهران: نشر دانشگاه تهران
- اشتیاق، وحید (۱۳۸۷)، گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۱۱
- آزمایش، علی (۱۳۷۷)، تقریرات جزای عمومی، دانشگاه تهران
- آلت اسمولرز، رولف هاومن (۱۳۹۶)، جرم شناسی فراملی: به سوی جرم شناسی جنایات بین المللی، مترجم حمیدرضا نیکوکار، تهران، میزان
- برخوردار یون، ابوالفضل (۱۳۹۱)، آزمون های موتوری سوخت و نقش شان در ارزیابی کیفی سوخت خودروهای بنزینی و دیزلی، فصلنامه فرایند نو، ش ۳۹
- بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱)، مجموعه مباحث و روش های شهرسازی، تهران، مرکز مطالعات شهرسازی ایران، چ اول، ج ۶
- بیگی حبیب ابادی، احمد، حسینی، سیدجواد (۱۳۹۶)، حدود مسئولیت کیفری و مجازات طفل در فقه امامیه، فصلنامه قضاوت، سال ۱۷، ش ۹۰
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۱)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران، انتشارات سمت
- جعفر زاده، عسکر؛ احراز هویت اشخاص حقوقی، مجله کانون، بی تا
- حاجی وند، امین، میرکمالی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۷)، مسئولیت کیفری دولت در قبال جرائم زیست محیطی در ایران، ضرورت و چالش ها، فصلنامه علوم محیطی، ش ۲
- حسینی آهق، مریم؛ مهرپور، حسین (۱۳۸۹)، رابطه بلوغ با مسئولیت کیفری، مبانی فقهی حقوق اسلامی، ش ۶

- خزانی منوچهر (۱۳۶۷)، جزوه جزای عمومی ۳، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- دلغانی، علی اشرف (۱۳۸۲)، مبانی مسئولیت کیفری در حقوق اسلام و فرانسه، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی پژوهشکده فقه و حقوق، قم، ش ۳۱
- راب وایت (۱۳۹۴)، جرائم زیست محیطی فراملی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم، برگردان حمیدرضا دانش ناری، نشر روناس
- راستین، منصور (۱۳۸۲)، مقررات کیفری بازرگانی، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، بی تا چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲
- شایگان، علی (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، تهران: نشر طه
- شمسی، فریبا (۱۳۹۵)، رابطه بین جرم و محیط زیست از دیدگاه جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد راهنما مهرداد راجیان اصلی
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۷)، حقوق نفت و گاز، تهران: میزان
- صانعی، پرویز (۱۳۷۰)، حقوق جزای عمومی، نشر گنج دانش، تهران
- صفار محمد جواد (۱۳۷۳)، شخصیت حقوقی، تهران: نشر دانا
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶)، حقوق اداری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سیزدهم
- علی آبادی، عبد الحسین (۱۳۶۹)، حقوق جنایی، جلد اول، بی جا، حیدری، چاپ دوم
- عوده، عبدالقادر (۱۴۰۵)، التشریح الجنایی الاسلامی، بیروت
- فرج الهی، رضا (۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، نشر میزان
- فرج الهی، رضا (۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، تهران: میزان
- فهیمی، عزیز الله (۱۳۸۷)، فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی دانشگاه قم، شماره سوم ۳۵
- کاتبی، حسینقلی (۱۳۷۹)، حقوق تجارت، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش
- ملک اسماعیلی، عزیزاله (۱۳۵۵)، حقوق جزای عمومی، نشر دانشگاه تهران، تهران
- موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۸)، حقوق اداری، تهران: نشر دادگستر
- موسوی، سید فضل الله (۱۳۷۹)، حقوق بین الملل محیط زیست، تهران: نشر میزان
- نوربها، رضا (۱۳۹۲)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: چاپ یازدهم، گنج دانش
- هنری، مرتضی (۱۳۶۲)، محیط زیست و توسعه، مجله محیط زیست، ش ۳
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان